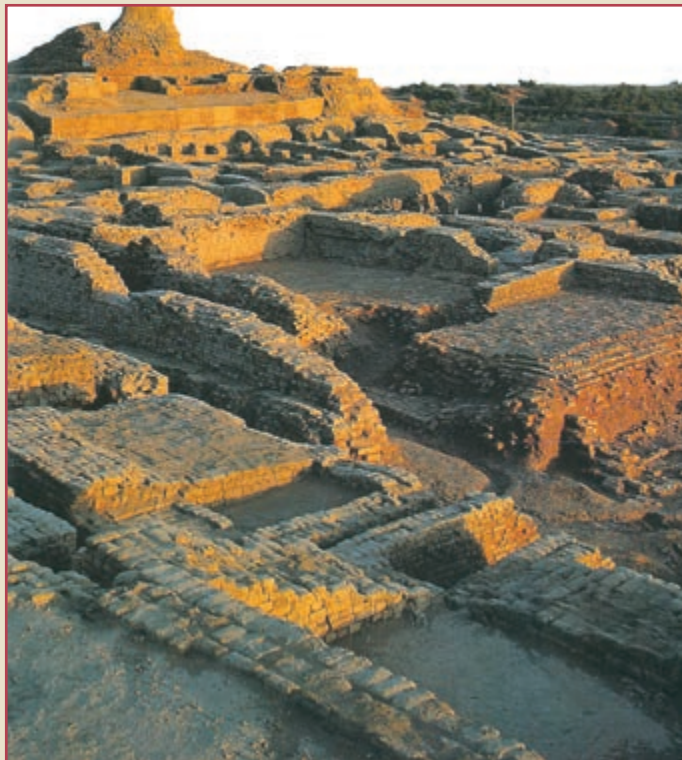


چین و هند باستان

مقدمه

چین و هند^۱ از قدیمی‌ترین مراکز پیدایش تمدن در آسیایند. این دو سرزمین از حیث وسعت، جمعیت و تنوع آب و هوایی و نیز وجود اقوام و فرهنگ‌های گوناگون شهرت بسیاری دارند؛ هر دو این تمدن‌ها در کناره رودهای بزرگ پدید آمده‌اند. همچنین این دو سرزمین زادگاه ادیان و اندیشه‌هایی‌اند که نقشی اساسی در تاریخ ایفا کرده‌اند. این دو در روزگار کهن روابط بازرگانی و فرهنگی قابل توجهی نیز با یکدیگر داشته‌اند. بازرگانان از طریق جاده ابریشم کالاهای ساخت چین را به هند می‌آوردند و تولیدات آن را نیز به نقاط دیگر جهان می‌بردند.

دین بودایی ابتدا در هند پیدا شد، اما بعدها در آسیای مرکزی و چین پیروان زیادی یافت؛ به‌طوری که امروزه تبت^۲ مهم‌ترین مرکز بوداییان است. چین و هند دستاوردهای تمدنی بسیاری داشته‌اند که در این درس به اختصار با آنها آشنا می‌شوید.



آثار به جا مانده از موهنجودارو (تصویر سست چپ) در تصویر سست راست تعدادی از مهرهای کشف شده در آنجا نیز دیده می‌شود.

۱- توجه داشته باشید که در اینجا منظور از هند، سرزمینی است که هنوز پاکستان و بنگلادش امروزی از آن جدا نشده بودند.

هند پیش از آریایی ها

در اوایل قرن بیستم میلادی، باستان شناسان بقایای دو منطقه باستانی «موهنجودارو»^۱ و «هاراپا»^۲ را در هند کشف کردند. این دو منطقه که قدمت آنها به ۳۰۰۰ سال ق.م. می رسد، در زمان خود بسیار آباد بودند. ساکنان آن با کشاورزی، نساجی و کوزه گری آشنا بودند و ابزارهایی مانند تبر، تیشه، مهرهای سنگی و ... می ساختند و نیز با سومری ها و مصریان باستان روابط بازرگانی داشتند.

ورود آریایی ها

از حدود ۱۵۰۰ ق.م. گروه هایی از قبایل آریایی به هند وارد شدند.^۳ آنان مردمان جنگجویی بودند که از اسب و ارابه استفاده می کردند و آداب و عقاید ویژه خود را داشتند. آنان با سرکوب مردم بومی هند، یعنی دراویدی^۴ ها،

بر شهرها و دهکده های آنان مسلط شدند. تسلط آریایی ها بر قسمت های شمالی هند موجب شد که عده ای از دراویدی ها به قسمت های مرکزی و جنوبی هند مهاجرت کنند. و در سواحل جنوبی هند، شهرهای بزرگی بسازند.

مهاجران آریایی که به هندوستان رفتند حکومت واحدی تشکیل ندادند؛ بلکه در گوشه و کنار آن سرزمین پراکنده شدند. هریک از قبایل آریایی قلمرو کوچکی را به خود اختصاص داد و در آن ساکن شد.

زبان آریایی های هند سانسکریت بود. آنان سرودهای دینی خود را به این زبان می خواندند. آریایی ها همچون سایر اقوام باستانی تصور می کردند که هریک از پدیده های طبیعی، خالق جداگانه دارد؛ بنابراین، به خدایان متعددی اعتقاد داشتند.



۱- در پاکستان امروزی

۲- Harappa

۳- شمال غربی هند (گذرگاه خیبر) مسیر اصلی اغلب مهاجرت ها و هجوم های قبایل مختلف، به داخل این شبه قاره بوده است. آریایی های اولیه، هخامنشیان، یونانیان، مسلمانان و مغولان، اغلب از اینجا به هند قدم نهادند و در تحولات تاریخی آن سرزمین نقش ایفا کردند.

۴- Dravidian

مجموعه متون دینی آریایی‌ها را وداها می‌نامند. وداها شامل سرودهای ستایش خدایان و دستورات مربوط به آداب دینی (مانند قربانی کردن) است. وداها قدیمی‌ترین سند درباره طبقات جامعه هند باستان است. علاوه بر آن در دو کتاب اوپانیشادها و مهابهاراتا نیز اطلاعات ارزشمندی درباره مردان بزرگ و دانای آریایی و اندیشه‌های آنان در مورد جهان و انسان وجود دارد.

برهمن‌ها (روحانیون آریایی) کشاتریاها (نظامیان) ویس‌ها (کشاورزان، بازرگانان و پیشه‌وران) شودراها (کارگران و اسیران)	طبقات اجتماعی هند در عصر آریایی
---	------------------------------------

ظهور بودا^۱

در فاصله رواج وداها تا ظهور بودا، آیین‌ها و اندیشه‌های بسیاری در هند گسترش یافته بود که اغلب آنها مراسم سخت و طاقت‌فرسایی را بر پیروان خود تحمیل می‌کردند و با خرافات بسیاری همراه بودند. عده‌ای از مردم، اعتقاد خود به دستورهای دینی را از دست داده بودند. برهمنان بیش از پیش قدرت یافته بودند و بر زندگی مردم تسلط داشتند. در این شرایط، در خانواده‌ای اشرافی فرزندی متولد شد که او را سیدارتا^۲ نامیدند. سیدارتا در محیطی سرشار از نعمت‌های دنیوی، بزرگ شد، ازدواج کرد و صاحب فرزند شد اما اندیشه مداوم او درباره بیماری، پیری و مرگ سرانجام موجب شد تحول عمیقی در اندیشه‌های وی پدید آید. پس شهر و دیار خود را ترک کرد و همچون برخی برهمن‌ها در انزوا به ریاضت پرداخت؛ اما بعد از مدتی احساس کرد که از این

طریق به آنچه می‌خواهد نرسیده است. بنابراین، شیوه‌های رایج ریاضت را که اساس آن عبارت از انزوا و روزه‌های طاقت‌فرسا بود، ترک کرد. سرانجام، روزی در زیر یک درخت احساس کرد به آرامش رسیده و راه درست زندگی را دریافته است. از آن پس، سیدارتا که به بودا (نجات یافته، روشن شده) معروف شده بود، پیروانی یافت و به تبلیغ اندیشه‌های خود پرداخت. بودا با قربانی کردن حیوانات، تناسخ و ... مخالف بود؛ به همین دلیل، برهمنان با او دشمن شدند و با عقایدش به مخالفت پرداختند.



مجسمه بودا. در سرزمین‌های بودایی نشین تعداد نسبتاً زیادی از این‌گونه مجسمه‌ها وجود دارد.

نخستین پادشاهان هند

داریوش اول، پادشاه هخامنشی، شمال هند را فتح کرد

۱- Veda

۲- Siddarta

و آن را خراجگزار ایران کرد. با سقوط هخامنشیان به دست اسکندر، شمال هند به دست یونانیان افتاد اما با انتشار خبر مرگ اسکندر، یک فرمانده هندی به نام چندراگوپتا^۱ علیه یونانیان قیام کرد و آنان را بیرون راند. او در مدت کوتاهی توانست حکومت‌های محلی را تابع خویش کند و حکومت قدرتمندی به وجود آورد. این حکومت را موریای^۲ نامیده‌اند. از دیگر پادشاهان مشهور حکومت موریای، آشوکا^۳ است که در تاریخ شهرت فراوانی دارد و پادشاهی خوشنام است. حکومت موریای پس از مرگ آشوکا ضعیف شد. بعد از مدتی، قدرت جدیدی در هند به وجود آمد. این قدرت جدید، حکومت گوپتا^۴ بود که از برخی جهات با حکومت موریای تفاوت داشت. از جمله این تفاوت‌ها، گرایش مذهبی گوپتاهاست. آنان طرفدار برهمنان و مخالف سرسخت بوداییان بودند. حکومت گوپتا تا قرن‌ها قدرت را در دست داشت، ولی به تدریج، دچار ضعف و زوال شد. مقارن ظهور اسلام، حکومت‌های محلی بسیاری در هند حکومت می‌کردند.



یک توضیح

سفر مگاستینس^۵ به هند در عصر موریای

در زمان چندراگوپتا یک سفیر مقدونی از جانب سلوکیان (جانشینان اسکندر در ایران و میان دورود) به هند فرستاده شد. او در بازگشت شرح مشاهدات خود را درباره هند نوشت. براساس نوشته وی، هند در عصر چندراگوپتا بسیار آباد و پر رونق بوده؛ به‌ویژه پایتخت آن، پاتالیپوترا^۶، ساختمان‌ها، بازارها، خیابان‌ها و جمعیت فراوانی داشته است. سفرنامه مگاستینس برای مورخان ارزش زیادی دارد؛ زیرا از این سفرنامه برای شناخت اوضاع هند باستان، استفاده‌های فراوانی می‌کنند.

۱- Chandra gupta

۲- Muria

۳- Ashoka

۵- Megasthenes

۶- Patali putra

فرهنگ و تمدن هند باستان

زندگی اجتماعی : بسیاری از مردم هند کشاورز و گله دار بودند و در روستاها زندگی می کردند. عده ای نیز به نجاری، فلزکاری، نقاشی، آهنگری، چرم سازی و ... مشغول بودند. در سواحل نیز به ماهیگیری می پرداختند. در هند برای پدر خانواده احترام زیادی قائل بودند. هندی ها در روابط اجتماعی، اهل ادب بودند و به دیگران احترام می گذاشتند. بهداشت فردی را رعایت می کردند و به زیورآلات اهمیت می دادند. در هند رسم بود که برای تزئین از گل استفاده کنند.

دین در زندگی آنان نقش زیادی داشت؛ به طوری که بخشی از درآمد خود را به برهمن ها می دادند تا در انجام آداب و رسوم دینی (قربانی کردن، خواندن سرود، فروش طلسم های جادو و ...) به ایشان کمک کنند. زیارت مکان های مقدس همچون معابد، زادگاه پیشوایان دینی و محل وقوع معجزات و نیز رود گنگ برای آنها اهمیت زیادی داشت، به طوری که برای زیارت آنها راه های دور و دراز را طی می کردند و رنج سفر را به جان می خریدند. فرارسیدن عیدهای مختلف برای مردم فرصتی بود تا به شادی بپردازند؛ مانند عید بهار که در آن، مردم صورت خود را رنگ می کردند و به کوچه و بازار می رفتند.

زنان هندی با اینکه به شوهران خود بسیار احترام می گذاشتند، فرزندان را تربیت می کردند و کارهای خانه را انجام می دادند، ولی رسم غیرانسانی ساتی درباره آنان به اجرا درمی آمد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

آیا می دانید رسم ساتی چیست؟

هنر و معماری : قدیمی ترین جلوه های هنر و معماری

هند را می توان در خرابه های موهنجودارو و هاراپا یافت. با گسترش بودایی گری و سایر ادیان و عقاید هندی، معابد بسیاری در سراسر این سرزمین وسیع ساخته شد. برخی از معابد را در دل کوه ها و میان غارها می ساختند. علاوه بر آن، بقایای کاخ های چندراگوپتا، آشوکا و سایر فرمانروایان هند، بیانگر پیشرفت هنر و معماری هند باستان است. معماران عصر آشوکا به تقلید از تخت جمشید، کاخ باشکوهی برای پادشاه خود ساختند که خرابه های آن هنوز باقی است. هنرمندان هند باستان دیوارهای کاخ ها و بسیاری از معابد را با نقاشی ها و کنده کاری های گوناگون می آراستند.

مجسمه سازی از دیگر کارهای هنرمندان هند باستان است که از قدیم ترین دوران رواج داشته است. از جمله، می توان به مجسمه های فراوانی از خدایان هندی و نیز بودا اشاره کرد که از چوب و سنگ ساخته شده است و در



مجسمه شیرها مربوط به دوره حکومت آشوکا

سراسر هند به پرستش آنها مشغول بودند.

از دیگر هنرهای رایج در هند باستان موسیقی است که هم به شکل دینی (سرودهای مذهبی) و هم به شکل سرودهای بزمی در دربارها رواج داشت. مشهور است که بهرام گور، پادشاه ساسانی، عده‌ای از آوازه خوان‌های هندی را به دربار خود آورده بود.

علوم و فنون: پزشکی از جمله دانش‌هایی است که در هند باستان پیشرفت زیادی کرد. شعار یک پزشک هندی^۱ این بود که: «نه به خاطر خود و نه به خاطر پول بلکه فقط برای نیکی، بیماران را درمان کنید!» اختراع صفر و عدد پی در ریاضی نیز از کارهای هندیان است. نجوم نیز به دلیل ضرورت تعیین روزهای جشن و قربانی مورد توجه بود. پارچه بافی و فلزکاری نیز در هند رواج بسیاری یافت. مشهور است که مصریان پارچه‌های مخصوص برای مومیایی کردن مردگان را از هند وارد می‌کردند. همچنین، در هند ساخت وسایل مختلف از عاج فیل رواج داشت.

چین؛ از اسطوره تا تاریخ

تاریخ نگاری چینیان همچون بسیاری از ملت‌های جهان، با «اساطیر» آغاز می‌شود. این اساطیر درباره خاقان‌های نیکوکاری است که هریک عمر بسیار طولانی کرده و دانش‌های گوناگون را در میان مردم پدید آورده‌اند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا سرگذشت همه ملت‌ها با

اساطیر آغاز می‌شود؟

نخستین سلسله بزرگ چین باستان شانگ^۲ است

که از ۱۵۰۰ سال ق.م. پدید آمد. پیدایش و گسترش خط و تقویم در میان آنها از نخستین پدیده‌های مدنیت بود. ساخت ظروف چینی و تهیه ابریشم از دیگر دستاوردهای تمدنی عصر شانگ است.

دومین سلسله‌ای که در چین پدید آمد، چو^۳ نام داشت که فرمانروایان آن از ۱۰۲۸ تا ۲۵۶ ق.م. حکومت کردند. در اواخر حکومت آنان، آشوب و جنگ‌های داخلی در چین زیاد شد تا سرانجام قبایلی به نام چه این‌بر کشور مسلط شدند و یکی از مشهورترین حکومت‌های چین باستان را بنیان گذاردند.



چینی‌ها تا پیش از ابداع کاغذ، نوشته‌های خود را بر روی قطعات چوب می‌نوشتند و بعد با کنارهم قراردادن آنها، صفحاتی درست می‌کردند.

۱- چاراکا

۲- Shang

۳- Chou

۴- Ch'in

در سال ۲۴۶ ق.م در خاندان چه این، پسری سیزده ساله که به شی هوانگ تی^۱ شهرت داشت، به سلطنت رسید. شی هوانگ تی نبوغ نظامی زیادی داشت، به همین دلیل، طی چند پیروزی در جنگ توانست حکومت‌های کوچک را یکی پس از دیگری از میان بردارد و برخاک گسترده چین مسلط شود. او خود را نخستین امپراتور

نامید. از جمله کارهای شی هوانگ تی بنای دیوار بزرگ چین است که در زمان سلطنت او بیش از دو هزار کیلومتر از آن ساخته شد. برای این کار، بیش از یک میلیون نفر به کار گرفته شدند. این دیوار که یکی از عجایب عالم است، برای جلوگیری از حمله قبایل بیابانگرد به داخل چین ساخته شد.^۲



دیوار بزرگ چین یکی از آثار تاریخی مشهور جهان به شمار می‌رود.

شی هوانگ تی با اندیشه‌های کنفوسیوس^۳ به مخالفت پرداخت. کنفوسیوس از اندیشمندان بزرگ چینی است که چند صد سال پیش از شی هوانگ تی، می‌زیست و منشأ خدمات اجتماعی و فرهنگی بسیاری شد. در زمان شی هوانگ تی طرفداران کنفوسیوس زیاد شده بودند.

شی هوانگ تی دستور داد تمامی آثار مربوط به کنفوسیوس را نابود سازند؛ اما پس از مرگش دوباره اندیشه‌های کنفوسیوس علنی شد. از این رو، این اندیشه‌ها قرن‌ها در مدارس چین آموزش داده می‌شد.

یک توضیح

علمی که اندیشه هضمش نکرده باشد، کاری بی‌فایده است؛ فکری که با علم همراه نباشد، خطرناک است.^۴ (کنفوسیوس).

۱- Shi Huang ti = یعنی نخستین امپراتور مستقل چین

۲- عده‌ای نیز معتقدند شی هوانگ تی با ساختن دیوار بزرگ توده‌های مردم را مشغول نگه می‌داشت تا علیه او قیام نکنند.

۳- Confucius

۴- هنری لوکاس، تاریخ تمدن، جلد اول، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۲، ص ۵۸.



حکومت‌های کوچکی در گوشه و کنار چین شکل گرفتند.

فرهنگ و تمدن چین باستان

زندگی اجتماعی: بیشتر مردم چین را کشاورزان تشکیل می‌دادند که در روستاها ساکن بودند. اصلی‌ترین محصول آنان برنج بود. چینی‌ها زندگی بسیار ساده‌ای داشتند. در خانواده چینی، پدر حرمت و اقتدار زیادی داشت و با قدرت تمام بر زن و فرزندان فرمان می‌راند. داشتن فرزند پسر برای خانواده‌ها اهمیت زیادی داشت؛ زیرا پسران بهتر می‌توانستند در مزارع کار کنند. دهقان‌ها باید به سران حکومت‌ها مالیات می‌پرداختند و در صورت لزوم، کار مجانی انجام می‌دادند؛ مانند زمان شی هوانگ‌تی که دهقانان وقت زیادی صرف ساختن دیوار بزرگ کردند.

سلسله هان: با مرگ شی هوانگ‌تی، هرج و مرج چین را فراگرفت. عده‌ای از مردم به کاخ او حمله‌ور شدند و آن را نابود ساختند. چندی بعد، سلسله هان^۱ در چین تشکیل شد. در زمان حکومت خاندان هان، راه ابریشم از امنیت و آبادانی برخوردار بود. در همین زمان، آیین بودا به چین نیز راه یافت. مبلغان بودایی با سفر به چین، بودایی‌گری را در آنجا گسترش دادند و به پیروان این آیین افزودند.

عاقبت هجوم‌های مکرر اقوام شمالی و نیز جنگ‌های داخلی موجب ضعف حکومت هان شد. در سال ۲۲۰ میلادی، این حکومت منقرض شد و تا ۴ قرن پس از آن، حکومت قدرتمند دیگری در چین پدید نیامد که بتواند تمام کشور را به زیر سلطه بکشد؛ در نتیجه،



نمایی از زندگی شهری در
چین قدیم

مهم ترین بخش شهر،
بازار آن بود که بازرگانان
و صاحبان جَرَف در آنجا
کالاهای خود را به نمایش
می گذاشتند.

یک توضیح

لی پو^۱ از شاعران مشهور چین است. سخنان او هنوز مورد توجه چینیان است. سوماچی پین^۲ نیز از مشهورترین مورخان چینی است که ده ها جلد کتاب درباره خاقان های چین نوشته است. لائوتزه^۳ و کنفوسیوس نیز عمیق ترین تأثیرات فرهنگی را در جامعه چینی باقی گذاشته اند.

۱- Li Po

۲- Szuma chien

۳- Lao-tze

آموزش: خط چینی همچون خط‌های هیروگلیف، میخی و... از خط‌های باستانی است، ولی برخلاف آنها، طی قرون مورد استفاده قرار گرفته است و هنوز هم رواج دارد. در چین باستان، فرزندان دهقانان از آموزش محروم بودند و تنها فرزندان اشراف به مدارس فرستاده می‌شدند تا برای انجام کارهای حکومتی آماده شوند. در پایان تحصیل از آنان امتحانات جدی و سختی به عمل می‌آمد که تنها در صورت قبولی، مورد پذیرش قرار می‌گرفتند. برخی نیز برای

فرزندان خود معلم خصوصی می‌گرفتند. علوم و فنون: چینی‌ها از نخستین مردمانی هستند که به خوبی با سفالگری و فلزکاری آشنا بودند. بعدها نیز که حکومت‌های بزرگ پدید آمد، شهرهای بزرگ^۱ پر از دانشمندان و صنعتگرانی شد که در رشته‌های گوناگون تخصص داشتند. اختراع کاغذ و فن چاپ، قطب‌نما و باروت از افتخارات مردم چین است. ظروف چینی در عصر خود کم‌نظیر بود و نیز فن نساجی پیشرفت زیادی کرده بود.

پرسش‌های نمونه

- ۱- درباره اسامی و اصطلاحات زیر توضیح دهید.
(الف) دراویدی‌ها
(ب) سانسکریت
(ج) وداها
- ۲- بودا در چه شرایطی ظهور کرد؟
- ۳- درباره آغاز و انجام حکومت موریای توضیح دهید.
- ۴- جلوه‌های مهم هنر و معماری هند باستان کدامند؟
- ۵- دستاوردهای مهم تمدن چین باستان چیست؟
- ۶- درباره حکومت سلسله «چه‌این» و سرنوشت آن، توضیح دهید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره روابط چین با هند باستان با ایران مطلبی تهیه کنید.
- ۲- با مطالعه درباره زندگی کنونی مردم هند یا چین، درباره تأثیرات میراث باستانی آنها بر زندگی امروزی‌شان، مطلبی بنویسید.
- ۳- عقاید بودا و کنفوسیوس را با یکدیگر مقایسه کنید.

۱ - مانند بی‌ین لیانگ (کای فنگ کنونی) و لِنیان (هانگ چو کنونی)